



روابط عمومی

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی
منطقه آبادان

به مناسبت ولادت کریمه اهل بیت حضرت
معصومه (س) و ثامن الائمه حضرت امام
رضا (ع) و آغاز دهه کرامت
تقدیم می کند:



امام رضا (عليه السلام):

مَنْ زَارَهَا (الْمَعْصُومَةَ) عَالِمًا بِهَا، عَارِفًا بِحَقِّهَا، قَلَهُ الْجَنَّةُ.

هر کس حضرت معصومه (علیها السلام) را همراه با شناخت
حقیقت زیارت کند، بهشت پاداش او خواهد بود.

بخار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

لقب معصومه

حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) بانویی بهشتی، غرق در عبادت و نیایش، پیراسته از زشتی‌ها و شبنم معطر آفرینش است. شاید یکی از دلایل معصومه نامیدن این بانو، آن باشد که عصمت مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) در او تجلی یافته است. بر اساس پاره‌ای از روایات، این لقب از سوی امام رضا (علیه السلام) به این بانوی والامقام اسلام وارد شده است؛ چنان که فقیه بلند اندیش و سپید سیرت شیعه، علامه مجلسی (ره) در این باره می‌گوید: امام رضا (علیه السلام) در جایی فرمود: هر کس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است .



احادیثی در رابطه او:

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

ان لله حرماً و هو مکه ألا ان لرسول الله حرماً و هو المدينة ألا وان لامير المؤمنين عليه السلام حرماً و هو الكوفه الا و ان قم الكوفة الصغيرة ألا ان للجنة ثمانية ابواب ثلاثة منها الى قم تقبض فيها امراه من ولدى اسمها فاطمه بنت موسى عليها السلام و تدخل بشفاعتها شيعة الجنة با جمعهم ((:خداوند حرمی دارد که مکه است پیامبر حرمی دارد و آن مدینه است و حضرت علی(علیه السلام) حرمی دارد و آن کوفه است و قم کوفه کوچک است که از ۸ درب بهشت سه درب آن به قم باز می شود - زنی از فرزندان من در قم از دنیا می رود که اسمش فاطمه دختر موسی(علیه السلام) است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می شوند))

امام رضا(علیه السلام) می فرماید:

هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که ثواب زیارت مرا در می یابد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

ألا ان حرمی و حرم ولدی بعدی قم(معنی: آگاه باشید که حرم و حرم فرزندان بعد از من قم است)



حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در روز اول ذی‌قعدة سال ۱۷۳ هجری، در شهر مدینه چشم به جهان گشود. این بانوی بزرگوار، از همان آغاز، در محیطی پرورش یافت که پدر و مادر و فرزندان، همه به فضایل اخلاقی آراسته بودند. عبادت و زهد، پارسایی و تقوا، راستگویی و بردباری، استقامت در برابر ناملازمات، بخشندگی و پاکدامنی و نیز یاد خدا، از صفات برجسته این خاندان پاک سیرت و نیکو سرشت به شمار می‌رفت. پدران این خاندان، همه برگزیدگان و پیشوایان هدایت، گوهرهای تابناک امامت و سکان داران کشتی انسانیت بودند.

سرچشمه دانش

حضرت معصومه (سلام الله علیها) در خاندانی که سرچشمه علم و تقوا و فضایل اخلاقی بود، پرورش یافت. پس از آنکه پدر بزرگوار آن بانوی گرامی به شهادت رسید، فرزند ارجمند آن امام، یعنی حضرت رضا (علیه السلام) عهده دار امر تعلیم و تربیت خواهران و برادران خود شد و مخارج آنان را نیز بر عهده گرفت. در اثر توجهات زیاد آن حضرت، هر یک از فرزندان امام کاظم (علیه السلام) به مقامی والا دست یافتند و زبانزد همگان گشتند. ابن صباغ ملکی در این باره می‌گوید: هر یک از فرزندان ابی الحسن موسی معروف به کاظم، فضیلتی مشهور دارد. بدون تردید بعد از حضرت رضا (علیه السلام) در میان فرزندان امام کاظم (علیه السلام)، حضرت معصومه (سلام الله علیها) از نظر علمی و اخلاقی، والامقام‌ترین آنان است. این حقیقت از اسامی، لقب‌ها، تعریف‌ها و توصیفات که ائمه اطهار (علیهم السلام) از ایشان نموده‌اند، آشکار است و این حقیقت روشن

می‌سازد که ایشان نیز چون حضرت زینب (سلام الله علیها) عالمه غیر معلمه بوده است.



مقام علمی حضرت معصومه (سلام الله علیها)

حضرت معصومه (سلام الله علیها) از جمله بانوان گرانقدر و والا مقام جهان تشیع است و مقام علمی بلندی دارد. نقل شده که روزی جمعی از شیعیان، به قصد دیدار حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) و پرسیدن پرسش هایی از ایشان، به مدینه منوره مشرف شدند. چون امام کاظم (علیه السلام) در مسافرت بود، پرسش های خود را به حضرت معصومه (سلام الله علیها) که در آن هنگام کودکی خردسال بیش نبود، تحویل دادند. فردای آن روز برای بار دیگر به منزل امام رفتند، ولی هنوز ایشان از سفر برنگشته بود. پس به ناچار، پرسش های خود را باز خواستند تا در مسافرت بعدی به خدمت امام برسند، غافل از این که حضرت معصومه (سلام الله علیها) جواب پرسش ها را نگاشته است. وقتی پاسخ ها را ملاحظه کردند، بسیار خوشحال شدند و پس از سپاسگزاری فراوان، شهر مدینه را ترک گفتند. از قضای روزگار در بین راه با امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) مواجه شده، ماجرای خویش را باز گفتند. وقتی امام پاسخ پرسش ها را مطالعه کردند، سه بار فرمود: پدرش فدایش.

فضیلت زیارت

دعا و زیارت، پر و بال گشودن از گوشه تنهایی، تا اوج با خدا بودن است. دعا و زیارت، جامی است زلال از معنویت ناب در کام عطشناک زندگی؛ و زیارت حرم معصومه (سلام الله علیها)، بارقه امیدی در فضای غبارآلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگامه غفلت و بی خبری، و نسیمی فرحناک و برخاسته از باغستان های بهشت است. زیارت مرقد فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، به انسان اعتماد به نفس می دهد، و او را از غرق شدن در گرداب نومیدی باز می دارد و به تلاش بیشتر دعوت می کند. زیارت مزار با صفای کریمه اهل بیت (علیهم السلام)، سبب می شود که زائر حرم، خود را نیازمند پروردگار ببیند، در برابر او خضوع کند، از مرکب غرور و تکبر - که سرچشمه تمامی بدبختی ها و سیه روزی هاست - فرو آید و حضرت معصومه (سلام الله علیها) را واسطه درگاه پروردگار عالمیان قرار دهد. بر همین اساس است که برای زیارت آن حضرت، پاهایش بسیار بزرگی وعده داده شده و آن، ورود به بهشت است. در این باره از امام جواد (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هر کس عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.



برگزیدن شهر قم

پس از آنکه حضرت معصومه (سلام الله علیها) به شهر ساوه رسید، بیمار شد. چون توان رفتن به خراسان را در خود ندید، تصمیم گرفت به قم برود. یکی از نویسندگان در این باره که چرا حضرت معصومه (سلام الله علیها) شهر قم را برگزید، می نویسد: بی تردید می توان گفت که آن بانوی بزرگ، روی ملهم و آینده نگر داشت و با توجه به آینده قم و محوریتی که بعدها برای این سرزمین پیش می آید - محوریتی که آرامگاه ایشان مرکز آن خواهد بود - بدین دیار روی آورد. این جریان به خوبی روشن می کند که آن بانوی الهی، به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته و خود را با شتاب بدین سر زمین رسانده و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کرده است.

زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) از منظر روایات

درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) روایات فراوانی از پیشوایان معصوم رسیده است. از جمله، هنگامی که یکی از محدثان برجسته قم، به نام سعد بن سعد به محضر مقدس امام رضا (علیه السلام) شرفیاب می شود، امام هشتم خطاب به ایشان می فرماید: ای سعد! از ما در نزد شما قبری است. سعد می گوید: فدایت شوم! آیا قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیهما السلام) را می فرمایید؟ می فرماید: آری، هر کس او را زیارت کند، در حالی که به حق او آگاه باشد، بهشت از آن اوست. پیشوای جهان تشیع امام جعفر صادق (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب گردد. و در حدیث دیگری آمده است: زیارت او، هم سنگ بهشت است.

زیارت مآثور درباره حضرت معصومه (سلام الله علیها)

یکی از ویژگیهای حضرت معصومه (سلام الله علیها)، ورود زیارتنامه ای از سوی معصومان (علیهم السلام) درباره ایشان است که پس از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، او تنها بانوی بزرگواری است که زیارت مآثور دارد. بانوان برجسته ای چون: آمنه بنت وهب، فاطمه بنت اسد، خدیجه بنت خویلد، فاطمه ام البنین، زینب کبری، حکیمه خاتون و نرجس خاتون که هیچ شک و تردیدی در مقام بلند و جایگاه رفیع آن ها نیست. هیچ کدام زیارت مآثور از سوی معصومان (علیهم السلام) ندارند و این نشان دهنده مقام والای این بانوی گرانقدر اسلام است. باشد که شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به ویژه بانوان، این مقام بزرگ و عالی را پاس بدارند و همواره الگو و مظهر عفاف و تقوا و حیا باشند. تنها در این صورت است که روح با عظمت این بانوی بزرگ از همه ما خشنود خواهد شد.

امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا (ع) روز یازدهم ذیقعده سال ۱۴۸ هـ ق در مدینه دیده به جهان گشود.

دوران امامت آن حضرت ۲۰ سال بود که با سه تن از حکمرانان مستبد عباسی، یعنی هارون (ده سال)، امین (پنج سال) و مأمون (پنج) سال معاصر بود. امام رضا در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هـ ق در سن ۵۵ سالگی توسط مأمون مسموم شد و در سناباد نوقان که امروزه یکی از محلات مشهد مقدس محسوب می شود به شهادت رسید و در محل مرقد فعلی به خاک سپرده شد.

آن بزرگوار همانند دیگر امامان معصوم(ع) دارنده تمام کمالات و فضائل اخلاق انسانی در مرتبه اعلی بود. او آن چنان در قلّه شکوهمند کمال و فضیلت قرار داشت که نه تنها دوستان و پیروانش او را ستوده اند، بلکه دشمنان کینه توز و سرسخت به مدح و ستایش او پرداخته اند. درباره اوصاف اخلاقی آن حضرت «ابراهیم بن عباس» می گوید: «هرگز ندیدم که امام رضا (ع) به کسی یک کلمه جفا کند و ندیدم که سخن شخصی را قطع کند و ندیدم که نیازمندی را از درگاه خویش رد کند. او هرگز در حضور افراد تکیه نمی داد و هرگز او را ندیدم که با صدای بلند خنده کند، بلکه خنده اش تبسم و لبخند بود. وقتی که خلوت می کرد و کنار سفره می نشست، همه خدمت کاران و غلامان را کنار سفره می نشاند.»

برترین اندیشمند

خود امام رضا (ع) در مورد دانش بی کران حضرتش و برتری بر اندیشمندان و متفکرین علوم مختلف می فرماید: «زمانی من در مسجدالنبی می نشستم و در آن موقع دانشمندان زیادی در مدینه بودند، هرگاه یکی از آن ها در پاسخ پرسشی عاجز می گشت و دیگران هم نمی توانستند از عهده جواب برآیند، همگی به من اشاره می کردند و مسائل مشکل را مطرح می کردند و من پاسخ همه آن ها را می دادم.»

مرحوم شیخ صدوق می گوید: «مأمون در هر جا که احتمال می داد دانشمندی باشد و توانایی مناظره و مباحثه با امام رضا(ع) را داشته باشد به مجلس خویش دعوت می کرد و او را با امام هشتم(ع) وارد بحث می نمود.

او در این زمینه تلاش های فراوانی به عمل آورد تا اندیشمندان و نظریه پردازان فرقه ها و گروه های مختلف اسلامی و غیراسلامی در مباحثه علمی بر آن حضرت پیروز شوند، اما امام رضا(ع) در تمام آن جلسات و مناظره های سنگین و پیچیده بر تمام دانشمندان عصر خویش غلبه می کرد. آن حضرت با کسی به بحث و مناظره نمی پرداخت مگر این که در پایان، طرف مقابل به فضیلت و برتری و دانش سرشار امام هشتم (ع) اعتراف می نمود و در برابر استدلال های قوی و محکم او سر تعظیم فرود می آورد.»



دریای کرم

«یسع بن حمزه» می گوید: در مجلس امام رضا(ع) مشغول گفت و گو بودیم که مردی وارد شد و گفت: سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا! من مردی از دوستان شما هستم. اکنون از زیارت خانه خدا بازگشته ام و چیزی که بتوانم با آن خود را به خانه برسانم ندارم. مرا به دیارم بفرست، من دارای نعمت و دولت هستم و مستحق صدقه نیستم. آنچه به من ببخشی از سوی شما صدقه خواهم داد. امام (ع) از او خواست بنشیند بعد از پایان جلسه حضرت به خانه رفت و لحظاتی بعد در را بست؛ سپس دستش را از بالای در بیرون آورد و پرسید آن مرد خراسانی کجاست؟ مرد پاسخ داد: این جا هستم. امام(ع) فرمود: این دویست دینار را بگیر و با آن هزینه سفر را تأمین کن. یکی از یاران حضرت پرسید: فدایت شوم به او مهربانی کردی و چهره پنهان ساختی؟!

حضرت فرمود: چون نیازش را برآوردم، نخواستم خواری خواهش را در چهره اش بینم. آیا این حدیث پیامبر(ص) را نشنیده ای که فرمود: کار نیکی که پنهان انجام شود، برابر هفتاد حج است.



کرامات رضوی

معجزات و کرامات حضرت رضا(ع) بسیار زیاد است، به طوری که شیخ حرّ عاملی می نویسد: «معجزات امام رضا (ع) از حدّ تواتر تجاوز کرده است.»(۹) بنابراین چه بسیار انسان هایی هستند که با تشرّف به بارگاه ملکوتی آن امام همام (ع) از دریای بی کران کرامتش بهره و نصیبی برده اند.

شیخ صدوق می گوید: وقتی رکن الدوله، یکی از وزرای حکومت آل بویه را از رفتن به زیارت امام علی بن موسی الرضا(ع) با خبر ساختم، به من گفت: مرقد آن امام (ع) را بارها زیارت کرده ام و حاجت های زیادی از ایشان گرفته ام. هنگامی که به آن جا رفتی برای من دعا کن و به جای من زیارت نما که در آن مکان دعا اجابت می شود.

«ابومنصور عبدالرزاق» وقتی فهمید که حاکم توس (معروف به بیوردی) فرزندی ندارد، به او گفت: چرا به زیارت امام رضا (ع) نمی روی تا در آن جا از خداوند فرزندی طلب کنی؟ من بارها در آن جا حوائجی از خداوند خواسته ام و خداوند حاجتم را به برکت آن امام بزرگوار بر آورده نموده است. حاکم توس می گوید: نزد امام رضا(ع) رفتم و از خداوند حاجتم را خواستم. خداوند فرزند پسری به من عطا کرد.



اسوه شجاعت

پس از شهادت حضرت امام موسی کاظم(ع) دوران امامت حضرت امام رضا(ع) در عصر هارون آغاز شد. با این که شرایط بسیار سخت بود امام امامت خود را آشکار و هدایت مردم را شروع کرد.

محمدبن سنان که یکی از شیعیان است می گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم: «شما چگونه جرأت کردید که بعد از پدرتان، امامت خود را آشکار کنید با این که از شمشیر هارون خون می چکد؟» آن حضرت در پاسخ سؤال من فرمود: «همان گونه که پیامبر(ص) در برابر ابوجهل ایستادگی و مقاومت کرد و فرمود: اگر ابوجهل یک دانه مو از سرم بردارد من پیامبر نیستم، من نیز به شما می گویم: اگر هارون از سرم یک لایحه مو بگیرد، من امام نیستم.»

حکیم خردورز

امام رضا(ع) در روزگاری که امامت الهی در حد پادشاهی و ولایت عهدی تنزل یافته بود، از عقل و خرد خویش بیشترین بهره را برد و با تشکیل مناظرات و احتجاجات عقلانی، خردورزان را جذب خویش نمود و عده ای از آن ها را به راه اصلی و حجت ظاهری و امامت هدایت نمود. آن حضرت در تمام عرصه های زندگی به ویژه عرصه سیاسی اش رفتاری کاملاً حکیمانه و خردورزانه داشت. پذیرش ولایت عهدی در دوران امامتش یک موضع کاملاً عاقلانه بود که توانست تمام شیطنت ها و نقشه های مأمون را خنثی کند.

نتیجه این خردورزی و تدبیر آن شد که اولاً افرادی که حتی امام را نمی شناختند و یا بغض آن حضرت را در دل داشتند با این تدبیر حکیمانه جزو عاشقان و شیفتگان امام رضا(ع) شدند.

ثانیاً: نه تنها مأمون نتوانست معارضان و مخالفان شیعی را به خود خوش بین سازد، بلکه امام (ع) مایه امید و تقویت روحیه آنان شد و ثالثاً: نه تنها مأمون نتوانست امام(ع) را متهم به حرص بر دنیا و عشق به مقام و منصب نماید، بلکه حشمت ظاهری بر عزت معنوی او افزود.

کوتاه سخن این که مأمون در این معامله نه تنها چیزی بدست نیاورد، بلکه بسیاری چیزها را از دست داد. این جا بود که مأمون احساس شکست و خسران کرد و در صدد برآمد که خطای فاحش خود را جبران کند که تنها راه آن شیوه توسل به قتل و نقشه بود.



از منظر حضرت رضا(ع) هیچ عملی برتر و با ارزش تر از نماز نیست و آن را در اول وقت اقامه می کرد به همین جهت آن حضرت (ع) به «ابراهیم بن موسی» فرمود: «لَا تُؤَخِّرَنَّ الصَّلَاةَ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ...» (نماز را همیشه در اول وقت شروع کن و آن را بدون علت از اول وقت به تأخیر مینداز...)»

امام هشتم به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی داد. حتی در مهم ترین جلسات سیاسی و علمی امام به نماز اول وقت اهمیت می داد. نقل می شود که به دستور مأمون، علمای برجسته از فرقه های گوناگون در مجالس مناظره حاضر می شدند و امام رضا(ع) با آن ها بحث و مناظره می کرد. در یکی از این مجالس «عمران صائبی» که از دانشمندان بزرگ بود، حاضر شد و درباره توحید با امام رضا(ع) وارد گفت و گو گردید. در آن جلسه امام سؤال های او را با حوصله، متانت و استدلال های قطعی پاسخ داد و او را به سوی توحید متمایل کرد. هنگامی که بحث و مناظره به اوج خود رسیده بود، حضرت رضا(ع) احساس کرد که وقت اذان ظهر و هنگام نماز است، بنابراین به مأمون فرمود: وقت نماز فرا رسیده است.

عمران صائبی که به حقایق دست یافته و از دریای دانش سرشار امام هشتم بهره هایی برده بود با التماس گفت: آقای من! گفت و گو و پاسخ های خویش را قطع مکن، زیرا دل من آماده پذیرش سخنان شماست. اما آن حضرت تحت تأثیر سخنان عاطفی و احساس برانگیز او قرار نگرفت و فرمود: عیبی ندارد نماز را می خوانیم و دوباره به گفت و گو ادامه خواهیم داد. در این حال امام و همراهان به اقامه نماز مشغول شدند. حضرت بعد از اقامه نماز دوباره به گفت و گو ادامه داد و پاسخ های روشنگرانه خویش را ارایه نمود.

نگاه مهربان آقا ...

مرد کرد زبانی سی و پنج ساله به نام غلامحسین که بر اثر سقوط از کمر فلج شده بود و با چوب زیر بغل راه می رفت راهی مشهدالرضا می شود. با چوبی که زیر بغلش بود خود را به کنار سقا خانه اسماعیل طلایی می رساند. یکی از خدام را می بیند غلامحسین فکر می کند که امام رضا(ع) در یکی از این اتاقهاست که باید نزد او برود... با همان لهجه ی کردی به خادم می گوید آقا کجاست؟ خادم به حالت شوخی به گلدسته اشاره میکند و می گوید از این پله ها که بالا بروی آقا بالاست...

غلامحسین به طرف گلدسته می رود و با زحمت زیاد از پله ی اول و دوم بالا می رود همین که می خواهد با همان تلاش از پله ی سوم بالا رود از بالای گلدسته صدایی می شنود که غلامحسین بالا نیا! برای تو زحمت دارد من خودم پایین می آیم! می بیند که قطعه ای از نور پایین می آید. خوشحال شده سلام می کند. امام می فرماید: چه کار داری؟ غلامحسین می گوید: شش ماه است که از کار افتاده ام حالا آمده ام تا مرا خوب کنی. آقا دستی به کمرش می کشد و در همان حال چوبها از زیر بغلش می افتد و آسوده روی پاهای خود می ایستد و کمرش راست شده و احساس درد نمی کند... حضرت چوبها را از زمین بر می دارد و به او می دهد و می فرماید هر چه دیدی برای آن خادم نقل کن.





ولادت باسعادت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س)
و شمس الشمس حضرت امام علی ابن موسی الرضا (ع) و آغاز
دهه کرامت را به شما همکاران گرامی و خانواده های محترمتان
تبریک و تهنیت عرض می نمائیم.

منابع :

نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، حدیث ۱۳۵۵.
اثبأ الهداء، شیخ حرّ عاملی، ج ۷، ص ۴۴۶-۴۴۵.

اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۸۶.
الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، ص ۳۰۴.
عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۸۲.
بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

التوحید، شیخ صدوق، ص ۴۳۴.
انوار البهیة، محدث قمی، ص ۳۴۰.

واحد سایبری

بنیاد فرهنگي تربيتي ضیاء الصالحین

WWW.ZIAOSSALEHIN.IR

<http://www.ahlolbait.ir>

<https://www.imamreza.net>

